یادداشت روز

مافیای معارضه با انقلاب چگونه تأمین مالی می‌شود؟

موضوع این یادداشت، شبکه آلوده اختاپوسی است که به تامین مالی جریان معارضه با «انقلاب اسلامی» و «ایران قوی» در قالب حمایت سازمان یافته از انواع جرائم، هنجارشکنی‌ها و ساختارشکنی‌ها می‌پردازد و از انواع پوشش‌ها برای رد گم کنی بهره می‌گیرد. متهمان این وطن‌فروشی بزرگ، دست بر قضا، حامیان تبعیت از منویات FATF (کارگروه مدعی مبارزه با پولشویی، تامین مالی تروریسم و جرائم سازمان‌یافته) هم هستند!

۱) ۷۲ سال قبل، هنگامی که سرویس‌های اطلاعاتی سیا و MI۶، کودتا علیه نهضت ملی شدن نفت ایران را طراحی کردند، کرمیت روزولت، رئیس بخش خاورمیانه‌ای «سیا» به تهران آمد. او سال ۱۳۵۸ در مصاحبه با لس آنجلس تایمز گفت: «پس از ورود به ایران، به خانه‌ای در نواحی کوهستانی تهران رفتم و به تنظیم کارها پرداختم. ما یک میلیون دلار داشتیم و کمتر از ۷۵ هزار دلار آن را برای به راه انداختن تظاهرات [آشوب اوباش] خرج کردیم». درست است که روزولت با چمدان پول آمد و بخش اندکی از آن را هزینه کرد، اما شبکه رسانه‌ای- سیاسی کودتا، ماه‌ها مشغول شایعه پراکنی، اختلاف‌افکنی میان فعالان نهضت، و مایوس کردن مردم بود. این شبکه، نه با دلارهای وارداتی، بلکه با منابع غارت شده از سوی انگلیس و ظرف چند دهه، فربه شده بود.

۲) آمریکا و انگلیس و برخی رژیم‌های همسو، در طول پنج دهه گذشته، نه ۷۵ هزار دلار، بلکه صدها میلیارد دلار برای براندازی یا تضعیف ایران قوی هزینه کرده، اما نتیجه‌ای جز سرشکستگی نگرفته‌اند. این، معجزه انقلاب اسلامی، و یکی از ده‌ها دلیل امتیاز آن بر نهضت‌هایی مثل نفت و مشروطیت است. در عین حال، دغدغه این است که جبهه استکبار، به نفوذ در برخی شرکت‌ها طمع کرده باشد و تامین شبکه معارضه را از منابع دولتی / عمومی انجام دهد؛ اما برخی مدیران، که بنای کمک به بدخواهان را هم ندارند، از این رخنه غافل باشند. اختلاف نظر داشتن و گفت‌وگو، اقتضای یک جامعه پویاست. اما همه مجادلات سیاسی از سر اختلاف نظر نیست؛ همچنان که هنجارشکنی و ساختار شکنی، گفت‌وگو محسوب نمی‌شود.

۳) روزنامه کیهان، ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، خبر مستندی را با عنوان «صفحه فروشی زنجیره‌ای در پوشش گزارش اقتصادی» منتشر کرد که نشان می‌داد چند خبرگزاری، روزنامه، وبسایت خبری و کانال مجازی، صفحه اقتصادی خود را به درج یک «شبه گزارش» برای شرکت پتروشیمی «ا...» (زیر مجموعه هلدینگ «خ...») اختصاص داده و به اسم «گزارش اقتصادی» منتشر کرده‌اند. این در حالی بود که این متن واحد، نه حاصل بررسی خبرنگاران یکایک آن رسانه‌ها، بلکه سفارش روابط عمومی شرکت بود، منتها با این قید که نه در قالب تعریف‌شده «آگهی تبلیغاتی»، بلکه به عنوان «خبر و گزارش» منتشر کنند!

۴) توقع این بود که مدیران هلدینگ، پس از انتشار خبر حساس شوند و راه پول پاشی‌های صدها میلیارد تومانی برای نشریات زنجیره‌ای را ببندند. اما چند روز بعد، نماینده هلدینگ با یکی از همکاران روزنامه تماس می‌گیرد و بدون اشاره به خبر کیهان، می‌گوید: «ما با رسانه‌های مختلف کار می‌کنیم. می‌خواهیم روزنامه شما هم خبر و گزارش برای ما منتشر کند». از او سؤال می‌شود که منظور شما آگهی تبلیغاتی است؟ نماینده هلدینگ پاسخ می‌دهد: «آگهی را که همه می‌زنند. می‌خواهیم فراتر از آگهی، خبر و گزارش هم بزنید و عدد هزینه‌اش هم فرق می‌کند»! ما نمی‌دانیم ریاست آن شرکت یا هلدینگ، چقدر در جریان این ریخت و پاش‌ها قرار دارند و می‌دانند که برخی فعالیت‌های شبه تبلیغاتی، پوششی برای تامین رسانه‌های معارض است. این شبکه به موازات تحریم‌های فلج‌کننده و فشار حداکثری شکست خورده، مامور تزریق تحلیل‌های تحریف‌آمیز، یأس‌آفرین و فلج‌کننده برای فروپاشی انسجام ملی بوده است.

۵) صفحات اصلی این رسانه‌ها، پر از تبلیغات مرسوم یا نامتعارف برای برخی مؤسسات دولتی یا عمومی (بانک، پتروشیمی، اپراتورهای مخابراتی، و...) است؛ اما بیش از آن که تبلیغات باشد، پوششی برای تامین مالی شبکه معارضه با اصول، هنجارها و راهبرد انقلاب اسلامی است. محافلی که در هر انتخابات، به لجن‌مال کردن آن همت گماشته‌اند؛ هماهنگ با گروهک‌های تروریست و تجزیه‌طلب در فتنه‌های ۷۸ و ۸۸ و ۹۸ و ۱۴۰۱ رفتار کرده‌اند؛ حقارت رئیس‌جمهور اوکراین یا گاو شیرده بودن فلان دولت منطقه‌ای را الگوی ذکاوت و توسعه خوانده‌اند؛ ادعا کرده‌اند ولو مثل برّه و برده و در اتاق بازجویی، باید با آمریکا مذاکره کرد؛ برنامه هسته‌ای و اقتدار دفاعی و نفوذ منطقه‌ای بازدارنده را بی‌ارزش خوانده و خواستار واگذاری این منابع قدرت شده‌اند؛ به معارضه با احکام اسلامی از جمله حجاب و عفاف پرداخته‌اند؛ و بهنگام گستاخی طرف آمریکایی درباره نام خلیج‌فارس، مدعی شده‌اند که در این باره (یا درباره پایمال شدن حقوق ایران در برجام و ترور شهید سلیمانی و...) نباید غیرتی شد!! دو سال قبل، در حالی که موضوع اصلی سالنامه برخی رسانه‌های زنجیره‌ای، حمایت از اغتشاشات ۱۴۰۱ بود، مافیای تبلیغاتی لانه کرده در برخی شرکت‌ها، به بهانه ارائه آگهی، پول هنگفتی را در حلقوم همین نشریات ریخت.

۶) بررسی‌ها نشان می‌دهد این شبکه مبادله شبه تبلیغات- سرمایه، سالهاست در برخی شرکت‌ها و مؤسسات ریشه دوانده است، به نحوی که با وجود تغییرات مدیران، شبکه رسوب کرده به خیانت ادامه می‌دهد. آنها در نقطه کور برای مدیران کم اطلاع قرار دارند و تامین مالی شبکه معارض را در پوشش‌های مختلف انجام می‌دهند. نکته مغفول، پولشویی در پوشش ارائه آگهی‌های تبلیغاتی و تامین مالی برخی فعالیت‌های به ظاهر هنری، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی است.

۷) توقیف یک سریال غیرقانونی هنجارشکن (فاقد مجوز تولید) و شبکه نمایش آن که چند صد میلیارد تومان برای ساختش هزینه شده و برخی امکانات عمومی در اختیار سازندگانش قرار گرفته، بار دیگر این سؤال را پیش می‌کشد که تولیدکنندگان محصولات هنجارشکن، چگونه تامین می‌شوند؟ و در اثر کدام غفلت یا بی‌مبالاتی مدیریتی، مجال پر کردن خانه‌های جدول ناتوی فرهنگی را پیدا می‌کنند؟ نقش برخی سفارت‌ها در سفارش دادن فیلم‌های سیاه و ارائه به جشنواره‌های خارجی چیست؟! بخش از مفاسد «صندوق ذخیره فرهنگیان» و «بانک سرمایه»، تامین مالی تهیه‌کننده‌ای بود که به تولید فیلم و سریال‌های خانگی مبتذل مشغول بود. سریال شهرزاد با تهیه کنندگی امامی و همراهی داماد یک وزیر ساخته شد. تهیه‌کننده، سرمایه‌گذار فیلم‌های «ابد و یک روز»، «خوب بد جلف»، «کاناپه»، «نهنگ عنبر۲»، «گشت ۲»، «فروشنده» و «دراکولا» هم بود.

۸) اردیبهشت سه سال قبل، حکم متهمان پرونده بانک سرمایه، شامل رد مال نامشروع و ۱۷۰ سال حبس، صادر شد. دو متهم اول، محمد امامی (تهیه‌کننده سینما) و غندالی (رئیس صندوق ذخیره فرهنگیان و مؤسس بانک سرمایه) بودند. صندوق فرهنگیان، سهامدار عمده بانک سرمایه است. فساد رخ داده در «صندوق»، بالغ بر ۱۴ هزار میلیارد تومان برآورد شد. این همان فسادی بود که آقای روحانی در آغاز تشکیل پرونده (آبان ۹۵) مدعی شده بود پول داده شده، بدهی معوق است و نه اختلاس(!) اما نماینده دادستان در دادگاه گفت: «متهمان، از طریق نفوذ در مدیران بانک و صندوق، نقشه‌های مجرمانه خود را پیاده می‌کردند. بررسی مکالمات رئیس صندوق و همسرش با امامی، روشن می‌کند که رئیس صندوق، به عنوان مهره‌ای قابل اطمینان در اختیار قرار گرفته بود و امامی از طریق نفوذ در او، سیاست‌های مورد نظرش را پیاده می‌کرد. وی از این طریق و به منظور غارت اموال و وجوه بانک و شرکت‌های وابسته و صندوق ذخیره فرهنگیان، اقدام به حذف افراد غیرهمسو و معرفی و انتصاب اشخاص مطیع در سمت های کلیدی بانک می‌کرد».

۹) رسانه‌های آلوده می‌توانند در نقش «تروریست شخصیت» عمل کنند. مرداد ۱۳۸۰، وقتی دولت دوم خاتمی می‌خواست از مجلس ششم رای اعتماد بگیرد، علی‌اکبر محتشمی‌پور رئیس فراکسیون ۲۲۰ نفره، در اعتراض به مدیریت وزیر نفت گفت: «مدیریت آقای زنگنه فاجعه است و تخلفاتی در این وزارت رخ می‌دهد، از جمله قرارداد با شرکت پتروپارس». رسانه‌ها و کارشناسان از تخلف در واگذاری قرارداد ۸ میلیارد دلاری به این شرکت و ترک تشریفات قانونی مناقصه خبر می‌دادند. بهزاد نبوی نایب‌رئیس مجلس، همزمان ریاست هیئت‌مدیره شرکت را هم بر عهده داشت. علاوه بر محتشمی‌پور، برخی دیگر از نمایندگان اصلاح‌طلب مانند میدری، کهرام و رشیدیان هم به عملکرد وزیر نفت اعتراض داشتند. بعدها افتضاح کرسنت و خسارت ۱۴/۵ میلیارد دلاری آن، و کلاهبرداری شرکت‌های استات‌اویل و توتال آشکار شد.

بقیه در صفحه ۱۱

اسلامی:

گزارش‌های منتشرشده توسط آژانس، خروجی یک فرآیند سیاسی به رهبری گروسی و تحت نفوذ برخی قدرت‌های غربی است

رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: بخش قابل‌توجهی از گزارش‌های منتشر شده توسط آژانس، به‌ویژه آن‌هایی که جنبه اتهامی دارند، متکی بر داده‌ها و مشاهدات بازرسان نیست، بلکه خروجی یک فرآیند سیاسی به رهبری مدیرکل آژانس و تحت نفوذ برخی قدرت‌های غربی است.

محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی شامگاه یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۴، در گفت‌وگویی با صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، در ارتباط با گزارش جنجال‌آفرین مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار داشت: گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در مقایسه با گزارش‌های پیشین، تفاوت قابل‌توجهی دارد. این بار آژانس تحت تأثیر سیاست فشار حداکثری سه کشور اروپایی و ایالات متحده، با هدایت و نفوذ رژیم صهیونیستی، مکلف به تهیه گزارشی جامع از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شده است.

وی افزود: آژانس گزارشی مفصل در چهار بخش منتشر کرده که حاوی ترکیبی از اتهامات و تکرار موارد گذشته است. این گزارش در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته و به‌صورت عمومی منتشر شده است.

اسلامی خاطرنشان کرد: طبق رویه‌های حقوقی و بین‌المللی، ایران پس از انتشار هر گزارش از سوی آژانس، آن را با دقت بررسی کرده و پاسخ مستند و حقوقی خود را در قالب گزارشی تشریحی به آژانس ارائه می‌دهد. این پاسخ از طریق سایت رسمی آژانس در اختیار تمامی کشورهای عضو نیز قرار می‌گیرد.

معاون رئیس‌جمهور تصریح کرد: نکته مهم آن است که ما باید بی‌درنگ و در سریع‌ترین زمان ممکن نسبت به ارائه پاسخ اقدام کنیم؛ کاری که به‌صورت منظم و مستمر توسط دستگاه‌های ذی‌ربط کشور انجام می‌شود.

گروسی با بلندپروازی به دنبال جایگاه دبیرکلی سازمان ملل است

اسلامی در ادامه عنوان داشت: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حال حاضر به‌شدت تحت تأثیر رویکردهای سیاسی قرار دارد؛ به‌ویژه از سوی شخص مدیرکل که به‌دلیل بلندپروازی‌ها و اشتیاق شدید برای کسب جایگاه دبیرکلی سازمان ملل، در تلاش است تا رضایت چند کشور خاص را جلب کرده و در مسیر اهداف آن‌ها گام بردارد.

وی افزود: آژانس با ارائه گزارشی به ظاهر جامع، تصویری از صنعت هسته‌ای ایران ترسیم کرده که متأسفانه آلوده به همان اتهامات تکراری و بی‌پایه‌ای است که طی ۲۵ سال گذشته از سوی سه کشور اروپایی و آمریکا، تحت فشار و نفوذ رژیم صهیونیستی، علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح شده‌اند.

انتشار این گزارش در مقطع کنونی، بیش از هر زمان دیگری با اهداف سیاسی همراه است. در حالی که جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و فلسطین، افکار عمومی جهانی را علیه حامیان غربی آن‌ها برانگیخته و این کشورها در فضای رسانه‌ای جهان در موضع انفعال قرار گرفته‌اند، آن‌ها تلاش دارند با برجسته‌سازی پرونده هسته‌ای ایران، توجه جهانیان را منحرف کنند.

بخش قابل توجهی از گزارش‌های منتشر شده آژانس، خروجی یک فرآیند سیاسی به رهبری مدیرکل آژانس و تحت نفوذ برخی قدرت‌های غربی است

معاون رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد: ایران عضو معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و متعهد به اجرای کامل توافق‌نامه پادمان است. هر کجا که طبق ضوابط پادمانی مشمول نظارت باشد، تحت پوشش دوربین‌های آژانس قرار دارد و بازرسی‌های منظم در آن انجام می‌شود.

وی همچنین عنوان داشت: پادمان و NPT بخشی از وظایف ذاتی هر کشوری است که عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز در چارچوب این دو سند، همکاری‌های خود را به‌صورت کامل و شفاف ادامه داده و می‌دهد.

اسلامی تصریح کرد: بر اساس گزارش رسمی منتشر شده توسط آژانس در سال ۲۰۲۴، بیش از ۴۵۰ مورد بازرسی از تأسیسات ایران انجام شده است. همچنین حدود ۱۳۵ بازرس تأیید شده از کشورهای مختلف در ایران به‌طور دائم حضور دارند و فعالیت‌های نظارتی خود را انجام می‌دهند.

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران همچنین گفت: بخش قابل‌توجهی از گزارش‌های منتشر شده توسط آژانس، به‌ویژه آن‌هایی که جنبه اتهامی دارند، متکی بر داده‌ها و مشاهدات بازرسان نیست، بلکه خروجی یک فرآیند سیاسی به رهبری مدیرکل آژانس و تحت نفوذ برخی قدرت‌های غربی است.

فرمانده نیروی زمینی ارتش:

خود را متعهد به برقراری صلح پایدار و تأمین امنیت منطقه می‌دانیم

فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: در نگاه ما، صلح پایدار تنها در پرتو عدالت و احترام به حاکمیت ملت‌ها در مقابله با تجاوز و سلطه‌طلبی معنا پیدا می‌کند.

امیر سرتیپ کیومرث حیدری، فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در نخستین همایش تجلیل از حافظان صلح نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران اظهار کرد: نیروی زمینی همواره خود را متعهد به صلح پایدار، امنیت منطقه‌ای و احترام به اصول منشور سازمان ملل دانسته و می‌داند. نگاه ما به صلح صرفا نبود جنگ نیست بلکه ایجاد ثبات، عدالت و رفاه برای همه ملت‌ها را مدنظر قرار می‌دهیم.

او ادامه داد: نیروی زمینی ارتش آمادگی دارد تا در قالب ماموریت‌های بین‌المللی به ویژه آنهائی که در راستای دفاع از مردم مظلوم، مقابله با تروریسم و بازگرداندن امنیت به مناطق بحران زده هستند، نقش فعالی ایفا کند. ما بر این باوریم که ارتش حرفه‌ای و مردمی می‌تواند خواستار صلحی مقتدر اخلاق مدار و کارآمد در همه نقاط جهان باشد. نزاجا با تکیه بر آموزه‌های دینی، مبانی قانون اساسی و اصول سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران همواره خود را حافظ امنیت ملی و همچنین حامی صلح و ثبات منطقه‌ای دانسته است.

فرمانده نیروی زمینی ارتش با بیان اینکه در نگاه ما، صلح پایدار تنها در پرتو عدالت و احترام به حاکمیت ملت‌ها در مقابله با تجاوز و سلطه‌طلبی معنا پیدا می‌کند، گفت: باور ما این است که صلح نباید به معنای تسلیم یا عدم اقدام در برابر تهدیدات باشد بلکه به معنی تلاش فعال برای رفع ریشه‌های نامنی مقابله با افراطی‌گری و تروریسم و حمایت از ملت‌های مظلوم و تقویت نهادهای مشروع ملی در مناطق بحرانی است. نیروی زمینی محوری آجا به عنوان یک نیروی حرفه‌ای، آموزش دیده و متعهد آمادگی لازم برای مشارکت در عملیات حفظ صلح پس از ابلاغ سلسله مراتب فرماندهی و تحت چارچوب‌های قانونی و بین‌المللی را دارا است. این مشارکت می‌تواند در قالب اعزام نیروهای رزمی، امداد پزشکی، آموزشی، پهپادی و فنی برای بازگرداندن آرامش، نظم و ثبات در مناطق جنگ‌زده و بحران‌خیز صورت گیرد.

شرمن:

دانش ایرانی‌ها را نمی‌شود بمباران کرد

دیپلمات ارشد پیشین آمریکا در پیامی هشدارآمیز درباره ادعای مقامات رژیم صهیونیستی و آمریکایی در مورد توانایی آن‌ها برای نابودسازی تأسیسات هسته‌ای ایران تصریح کرد: «دانش را نمی‌شود بمباران کرد.»

«وندی شرمن» مذاکره‌کننده ارشد پیشین آمریکا در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران و قائم‌مقام وزیر خارجه پیشین آمریکا در گفت‌وگو با یک رسانه انگلیسی به مذاکرات جاری بین ایران و آمریکا و خواسته‌های ناممکن واشنگتن از تهران پرداخت.

به گزارش ایسنا، او در گفت‌وگو با تایمز در پاسخ به سؤالی درباره مذاکرات ایران و آمریکا گفت: «از مذاکرات جاری بین ایران و آمریکا حمایت می‌کنم. قطعاً توافقی مذاکره شده را به گزینه‌ای نظامی که به تشدید تنش‌ها و جنگی احتمالی بین ایران و اعراب منجر شود ترجیح می‌دهم.»

شرمن افزود: «خوشحالم که رئیس‌جمهور ترامپ و استیو ویتکاف درحال کار روی مذاکره با ایران هستند. سید عباس عراقچی، طرف مقابل ویتکاف، همتای ایرانی من در طول مذاکرات ۲۰۱۳ (مذاکرات برجام) بود. او فرد بسیار باهوش و سرسختی است که به‌طور کامل روی زبان انگلیسی مسلط است.»

قائم‌مقام وزیر خارجه پیشین آمریکا تصریح کرد: «در روزهای آتی شاید چیزی جز اصول کلی اعلام نخواهد شد.»

او با اشاره به شکست «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در وعده‌های انتخاباتی خود در حوزه سیاست خارجی، همچون وعده او برای پایان دادن به جنگ اوکراین ظرف ۲۴ ساعت گفت: «ترامپ گفت که به جنگ اوکراین ظرف یک روز خاتمه خواهد داد. این موضوع ممکن نیست. مذاکرات جاری بسیار دشوار و فنی است.»

شرمن تصریح کرد: «ترامپ و هیئت مذاکره‌کننده آمریکایی برای رسیدن به توافق با ایران تحت فشار بسیاری قرار دارند. کنگره آمریکا خواستار برچیده شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران است. هیئت آمریکایی از سوی اسرائیل و خواسته مکرر آن برای حمله به ایران نیز تحت فشار قرار دارد.»

او افزود: «هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، برنامه هسته‌ای این کشور را شاید یک الی سه سال عقب بیاندازد و ایران سریعاً برنامه هسته‌ای خود را به‌طور محرمانه از سر خواهد گرفت. اجازه دهید صریحاً بگویم؛ دانش را نمی‌شود بمباران کرد.»

شرمن در پاسخ به سؤالی درباره احتمال مهار «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی توسط آمریکا گفت: «هر چیزی ممکن است. در روند پیچیده‌ای قرار داریم. نتانیاهو به‌دنبال اقدام علیه ایران است. او بدون حمایت آمریکا نمی‌تواند به تأسیسات هسته‌ای ایران که زیرزمین قرار دارند اقدامی انجام دهد و ترامپ گفته که به‌دنبال اقدام نظامی نیست و خواستار کاهش اقدامات نظامی آمریکا در سراسر جهان است.»

او افزود: «ترامپ به‌عنوان فردی که می‌گفت بجنگید و پیروز شوید در بسیاری از حوزه‌های جهانی درحال عقب‌نشینی است. شاهد دیدارهای بسیاری بین ویتکاف و ران درمر (وزیر امور راهبردی رژیم صهیونیستی) هستیم. مشابه دوران اوباما و زمان برجام، اسرائیل با آمریکا در ارتباط نزدیک است.»

شرمن تصریح کرد: «امیدوارم مذاکرات به توافق منجر شود و شاهد جنگ نباشیم.»

اظهارات معاون وزیر خارجه پیشین آمریکا درباره ناممکن بودن نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران و ابراز امیدواری او برای شکل‌گیری توافقی تازه بین تهران و واشنگتن درحالی است که رئیس‌جمهور آمریکا شامگاه جمعه در سخنانی عنوان کرد که ایالات متحده به توافق با ایران «نسبتاً نزدیک» است.

خبر ویژه

کاهش ازدواج زنگ خطری که باید جدی گرفته شود

یکی از نگرانی‌های جدی برای آینده کشور آمار پایین ازدواج جوان‌ها و به‌دنبال آن کاهش زاد و ولد است. بر اساس آمارهای داده شده، ازدواج در سال ۱۴۰۳ به ۴۷۰هزار نفر کاهش یافته است که طی ۲۸ سال گذشته این آمار بی‌سابقه بوده است. براساس آخرین آمارها، رشد جمعیت کشورمان به ۷۲صدم درصد رسیده است که کمترین میزان رشد جمعیت در کشورهای غرب آسیا است. با این روند، ۲۰ سال دیگر میزان تولد و مرگ در کشور برابر خواهد بود. به گفته علیرضا رئیسی معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سال ۱۴۸۰ جمعیت ایران به ۴۲میلیون نفر می‌رسد که نیمی از آنها سالمند خواهند بود. این در حالی است که جمعیت یکی از کشورهای همسایه ما در شرق کشور (پاکستان) به ۵۵۰میلیون خواهد رسید و دیگر کشور همسایه ما در غرب (عراق) به ۳۸۰میلیون نفر خواهد رسید.

پس از اجرای سیاست‌های غیرکارشناسی کاهش جمعیت ایران در دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی که متأسفانه موجب کاهش نرخ فرزندآوری به زیر نرخ جانشینی جمعیت شد!!! نکته بسیار مهم و تأمل‌برانگیز این است که حتی سیاست‌های کاهش جمعیت در دهه ۷۰ این بود که نرخ موالید از حدود ۴.۳ به ۲ (یعنی به نرخ جانشینی) کاهش یابد و نه کمتر از آن؟! اما در عمل نرخ موالید به کمتر از حد خطرناک یعنی به کمتر از ۲ و حتی به حد فاجعه‌بار کمتر از یک نیز رسید و مسئولین مربوطه زنگ هشدار را به صدا درنیاوردند و آن‌قدر این مسئله به حد خطرناک رسید که رهبر انقلاب در مرداد سال ۱۳۹۰ مجدداً خطر کاهش جمعیت ایران را در سخنرانی خود تذکر داده و به‌طور صریح اشاره کردند که تدبیر لازم برای افزایش جمعیت ایران به حداقل ۱۵۰میلیون جمعیت، در طول یک برنامه مشخص انجام شود. مقام معظم رهبری به خطاهای صورت‌گرفته در مورد کاهش جمعیت اشاره نموده و به‌طور مشخص و علنی عبارت «خطا» را در مورد سیاست‌های جمعیتی به‌کار بردند. رهبر انقلاب در اردیبهشت سال ۱۳۹۳، سیاست‌های کلی جمعیت را طبق بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ نموده و خواستار برنامه‌ریزی مشخص برای اجرای سیاست‌های جمعیتی و افزایش فرزندآوری شدند. سیاست‌های جمعیتی در مجلس شورای اسلامی هم مطرح شد، اما با تأخیر در مهر ۱۳۹۹ به مرحله تصویب رسید! با وجود این مصوبه و تشویق‌های قرارداده در قانون جوانی جمعیت هنوز دستگاه‌های متولی به این باور نرسیده‌اند که کاهش جمعیت و افزایش جمعیت در کشورهای همسایه ایران یک تهدید جدی است.

بر اساس گزارش بانک مرکزی از آمار پرداخت وام ازدواج و فرزندآوری، در سال ۱۴۰۳، ۶۱۵هزار و ۶۹۳هزار فقره تسهیلات ازدواج به متقاضیان واجد شرایط اختصاص یافته بود. هرچند این رقم و تعداد رشد ۳۰درصدی را نسبت به سال قبل داشته، اما بررسی‌ها نشان می‌دهند در همین سال، ۱۵۷هزار نفر کمتر تسهیلات ازدواج دریافت کرده‌اند و این به آن مفهوم است که یا ازدواج آنها با تأخیر حداقل یکساله انجام شده است و یا انگیزه آنها برای فرزندآوری را کاهش داده است و به کاهش جمعیت کمک کرده است. از سوی دیگر در سال ۱۴۰۳ میزان پرداخت وام فرزندآوری نیز با رشدی ۶درصدی نسبت به سال ۱۴۰۲ به رقم ۴۸هزار و ۸۱۰ میلیارد تومان رسید. با وجود این، تعداد افرادی که این تسهیلات را دریافت کرده بودند نیز کاهشی ۱۵۱هزار نفری پیدا کرد. این دست‌فرمان حرکت کردن برای آینده کشور بسیار خطرناک است و هرچه زودتر باید یک فکر اساسی کرد تا از این بحران کشور نجات پیدا کند.

دکان دو نبش اصلاح‌طلبی!

روزنامه هم‌میهن در سرمقاله خود با انتقاد از فاصله‌گیری بدنه هوادار از اصلاح‌طلبی نوشت: «خط‌مشی اصلاح‌طلبی که از دوم‌خرداد سال ۱۳۷۶ آغاز شد، به مرور زمان و به دلایل گوناگون با چالش‌های فراوانی مواجه شد. گرچه دوره ۷۶ تا ۸۴ بهترین دوره تاریخ جدید ایران [بخوانید به قهقرا بردن انقلاب و اندیشه‌های امام راحل] از اغلب جهات بود، ولی بی‌توجهی اصلاح‌طلبان به تثبیت این دستاوردها ایران را وارد دوره سیاهی کرد که بدون تردید از اغلب جهات سیاه‌ترین دوره تاریخ جدید ایران بود.»

هم‌میهن نوشت: «متأسفانه برای جبران این دوره و این ضعف پیش‌آمده وارد باتلاق ۸۸ شدند که به‌جای بهبود، اوضاع را بدتر و امنیتی کرد و همه بدون استثنا زیان دیدند و دست تندترین نیروهای سیاسی را در عرصه عمومی باز کرد. البته افول اصلاح‌طلبان از پایان و حتی اواسط مجلس ششم آغاز شده بود و ریشه این افول نیز در عدول نسبی از برخی اصول پیش‌گفته بود. مشکل فقط افول اصلاح‌طلبی نبود؛ بلکه مترادف دانستن اصلاحات با اصلاح‌طلبی بود که عده‌ای شکست و عدم موفقیت یکی را به منزله شکست دیگری تلقی کردند.»

روزنامه هم‌میهن در تمجید از دوره ۷۶ تا ۸۴ به بهترین دوره و تأکید بر این نکته که باتلاق ۸۸ اوضاع را بدتر و امنیتی کرد، به این نکته اشاره نکرده، دوره‌ای که آن را به کسی نسبت می‌دهید که این دوره محصول آن فرد است، از قضا فتنه ۸۸ و دمیدن بر این فتنه هم محصول همین شخص است. این خاتمی و همفکران او بودند که باتلاق ۸۸ را برای موسوی متوهّم رقم زدند و کشور را ۸ ماه به رمز آشوب تقلب به آتش کشیدند.

این روزنامه در بخش دیگری از این یادداشت آورده است: «مشکل بدتر این بود که برخی از منسوبین به اصلاحات سعی کردند که خود را متولی دائمی اصلاح‌طلبی بدانند و غیر خود را رد کنند؛ درحالی‌که خودشان بیش از حد از این اصول عدول کردند و امروز هم برخی از آنان تحت همین اسم ولی با رسم دیگری عمل می‌کنند. در واقع، این مشکل محصول یک خطای انحصارطلبانه است. ابتدا باید از اصول اصلاح‌طلبانه دفاع کرد و هر گروهی که به آن اصول ملتزم است، حق دارد خود را اصلاح‌طلب بداند. همه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که هنوز اکثریت مردم شیوه اصلاح‌طلبی با تعریف فوق را بر هر شیوه دیگری برای بهبود امور خود ترجیح می‌دهند. اصلاح‌طلبی یک مغازه نیست!»

اگر امروز بخشی از اصلاح‌طلبان اراده کرده‌اند علیه بزرگان انحصارطلب خود شورش کنند و آنها را متهم به انحصارطلب کاسب‌کار می‌کنند، در اوج دوران اصلاحات بسیاری از دلسوزان، این انحصارطلبی و سوءاستفاده از نام اصلاح‌طلبی را هشدار داده بودند و آغازگر این هشدار، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب بود که جریانات سیاسی و افراد آن را به درستی می‌شناختند و از همین‌رو بود که فرمودند: «بنده معتقد به اصولگرای اصلاح‌طلبم». چراکه هیچ‌گاه یک اصولگرای اصلاح‌طلب، اصولگرایی یا اصلاح‌طلبی را دکانی برای کاسبی و رسیدن به امیال نفسانی خود هزینه نمی‌کند.

فارین‌پالیسی: توقع زیادی آمریکا موجب شکست مذاکرات با ایران می‌شود

رسانه‌های آمریکایی می‌گویند توقع آمریکا درباره توقف غنی‌سازی در ایران، موجب بن‌بست در مذاکرات شده و این، سیاستی شکست‌خورده در دو دهه گذشته است.

نشریه فارین‌پالیسی در این زمینه نوشت: اگرچه دونالد ترامپ، هفته گذشته اظهار داشت که توافق هسته‌ای با ایران نزدیک است، اما واقعیت چنین به نظر نمی‌رسد؛ چرا که هر دوطرف بر خطوط قرمز خود پافشاری می‌کنند و به نظر می‌رسد احتمال دستیابی زودهنگام به راه‌حلی مذاکره‌شده برای آینده برنامه هسته‌ای ایران را منتفی کرده‌اند. در حال حاضر هیچ نشانه‌ای از نزدیکی به توافق وجود ندارد. پیشنهاد ایالات‌متحده غنی‌سازی صفر است، سیاستی که در ۲۰ سال گذشته همواره شکست خورده است.

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر عالی ایران، اخیراً خواسته‌های ایالات‌متحده مبنی بر توقف حتی سطح پایین غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران را «افراطی و گستاخانه» و «یاوه» توصیف کرد و نسبت به نتیجه‌بخش بودن دور بعدی گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان دو کشور ابراز تردید کرد. سایر مقام‌های ایرانی نیز بار دیگر تأکید کرده‌اند که مذاکرات شکست خواهد خورد اگر ایالات‌متحده همچنان خواستار توقف غنی‌سازی داخلی اورانیوم باشد؛ حقی که تهران آن را تحت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) برای خود محفوظ می‌داند. ایران گفته که همچنان در حال بررسی آخرین پیشنهاد ارائه‌شده از سوی ایالات‌متحده در دور اخیر مذاکرات است.

اظهارات اخیر ترامپ مبنی بر نزدیک بودن توافق، پس از آن بیان شد که مقامات ایرانی اعلام کردند تهران مایل است در ازای رفع تحریم‌ها، از ساخت سلاح هسته‌ای صرف‌نظر کرده و غنی‌سازی با درجه بالا را متوقف کند- درخواستی که در گذشته نیز محرک اصلی پذیرش برجام توسط ایران بود.

اما همچنان پرسش‌های زیادی باقی است که آیا در صورت رسیدن به توافق، رفع تحریم‌ها واقعاً عملی خواهد شد یا نه. تحریم‌های اولیه و ثانویه آمریکا، مانند آنهایی که بر بخش‌های انرژی و بانکی ایران اعمال‌شده، به‌شدت سخت‌گیرانه و ماندگارند. همان‌طور که ایران بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ تجربه کرد، جلب همکاری بانک‌ها و شرکت‌های آمریکایی و حتی بسیاری از اروپایی‌ها برای بازگشت به تجارت با کشورهایی که مدت‌ها در لیست سیاه بوده‌اند- و ممکن است دوباره هم قرار بگیرند- بسیار دشوار است.

برنامه هسته‌ای ایران، از نظر حیثیتی برای کشور مهم است و حاصل سال‌ها توجه و سرمایه‌گذاری است. ایران هشدار داده که چنین اقدامی ممکن است آن را به خروج از معاهده NPT سوق دهد؛ اقدامی که می‌تواند پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای تلاش‌ها در راستای نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران و پایبندی آن به اصول عدم اشاعه به همراه داشته باشد.

از سوی دیگر، روزنامه نیویورک‌تایمز هم نوشت: مذاکرات پیچیده‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شد. موانع بزرگی بر سر راه توافق باقی مانده است. ترامپ خواستار توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران است، در حالی که تهران اعلام کرده آماده توقف غنی‌سازی در سطوح بالا و نابودی ذخایر اورانیوم غنی‌شده است، اما غنی‌سازی در سطوح پایین را حق خود می‌داند. ایران توقف غنی‌سازی را خط قرمز خود می‌داند و گفته است که به هیچ وجه عقب‌نشینی از آن را نمی‌پذیرد.

مذاکرات پیش‌رو را می